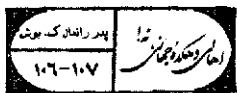


۱. هربرت مارشال مک‌لوهان نظریه‌پرداز کفادایی در حوزه ادبیات و ارتباطات است که به سبب نظریه‌هایش دربارهٔ رسانه‌های جمعی به خوبی شناخته شده است. وی از سال ۱۹۶۲ در دانشگاه تورنتو شروع به تدریس کرد و به خاطر جمله قصارش (رسانه پیام است) مشهور شده است. وی در سال ۱۹۶۷ کتابی به نام رسانه پیام است به چاپ رساند. این اثر دارای حجم کمی است که در آن بسیاری از عقاید کلیدی وی به صورت جمله‌های قصار و پاراگراف‌های کوتاه خلاصه شده است. عبارت معروف وی همگانه جهانی این ایده را به ذهن می‌رساند که رسانه‌های جمعی از طریق تأثیرات فرهنگی فراگیرشان جهان را به اندازه یک دهکده تقلیل داده‌اند. (م)



سی سال پیش مارشال مک‌لوهان تخیل عموم مردم را با نظریه‌های تیزبینانه و مختصر و مفید خود دربارهٔ رسانه‌های جمعی تحت تأثیر قرار داد. چندین عبارت وی هم‌چنان مورد بحث قرار می‌گیرد. برای نمونه دهکدهٔ جهانی روی جلد مجله‌ها و در محافل گفت‌وگویی جامعه‌شناسان ظاهر می‌شود. متأسفانه، دهکدهٔ جهانی وجود ندارد!

تفکر مک‌لوهان دربارهٔ این موضوع با مشاهده‌ای آغاز شد که نشان می‌داد جوامع بیشتر توسط ماهیت رسانه‌های جمعی که از طریق آن ارتباط برقرار می‌کنند، شکل داده می‌شوند نه از طریق محتوای ارتباطی. این که ما چگونه چیزها را می‌گوییم مهم‌تر از آن چیزی است که می‌گوییم؛ بنابراین رسانه پیام است.

مک‌لوهان اهمیت این موضوع را نشان داد که چگونه گذار از ارتباطات شفاهی به ارتباطات کتبی ساختار جامعه را تغییر داده است. توانایی تمس‌های آغازین برای حفظ کلمات روی سنگ‌ها و پاپیروس به آن‌ها این امکان را می‌داد که بر محدودیت‌های ارتباطات شفاهی غلبه کنند؛ با چنین گذاری حس دیداری نسبت به حس شنیداری در اولویت بیشتری قرار گرفت. کلمات کتبی اقتداری را که پیش‌تر برای فرمان شفاهی وجود داشت به زور غصب کردند. پادشاهان می‌توانستند قلمرو خود را با فرمان‌های کتبی اداره کنند و پیشه‌ورانی ظهور کردند که نظم گستردهٔ اطلاعات کتبی را که برای عملکرد حکومت‌ها و اقتصاد ضروری بود، انتقال داده و تفسیر می‌کردند.

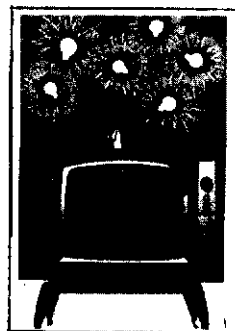
مک‌لوهان همهٔ رسانه‌ها را گسترش حواس اصلی انسان در نظر می‌گرفت: چرخ، گسترش پا است؛ کتاب، گسترش چشم است. وی چنین بیان کرد که علم الکترونیک امروزی، گسترش نظام عصبی مرکزی است. مک‌لوهان این بحث را مطرح کرد که سرعت انتقال‌های الکترونیک، چه به صورت تلگراف، تلفن یا تلویزیون ادراکات سنتی از زمان و مکان را فرو ریخته است. فاصله‌ها محو شده‌اند؛

زیرا ماهواره‌ها به ما این امکان را می‌دهند که با دوستانمان در قاره‌های مختلف صحبت کنیم یا بخش‌هایی از یک فیلم را برای اخبار شامگاهی پخش کنیم. همان‌گونه که مغز ما در هر زمان از هر یک از اعضای بدن ما آگاهی دارد، ما نیز به وسیله علم الکترونیک از جهان اطراف خود کسب آگاهی می‌کنیم. پخش جهانی مراسم تدفین رییس‌جمهور جان. اف. کندی سبب شد که بسیاری از مردم جهان هم‌زمان در این مراسم شرکت کنند؛ به وسیله ارتباطات دوربرد، آن حادثه محجور مشارکت بین‌المللی را به خود جلب کرد.<sup>۲</sup>

ولی احاطه شدن توسط تصاویری که با سرعت الکتریسته در معرض توجه ما قرار می‌گیرند، مساوی در تماس قرار گرفتن و تحت تاثیر آن‌ها قرار گرفتن نیست. در زمان مک‌لوهان تلویزیون به قدر کافی جدید بود تا به نظر رسد که داری کیفیت حس لامسه است. تصاویر در صفحه نمایش تلویزیون، ما را به خود جذب و مشارکت ما را طلب می‌کردند، هر فردی می‌توانست با فرد دیگری در تماس باشد. مک‌لوهان این کیفیت را همه‌به‌یکباره<sup>۳</sup> و همه‌حالا‌بهم<sup>۴</sup> دنیای الکترونیک مدرن در نظر گرفت و اعتقاد داشت این روبه جهانی دور از قبیله‌ای شدن است. امحاء فضا توسط الکترونیک، جوامع مجزا را در دهکده جهانی با یکدیگر متفق کرده است.

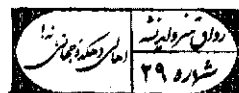
از زمانی که مک‌لوهان عبارت خود را وضع کرده است، اتفاقات بسیاری رخ داده است. تلویزیون سیطره و نفوذ کمتری پیدا کرده است. تلویزیون اغلب تنها اختلال پس‌زمینه ایجاد می‌کند، ما نیز بیش از پیش با ماهیت آن آشنا هستیم. ما کمتر توسط صحنه‌هایش شگفت‌زده و غافل گیر می‌شویم. بیننده کسل شده از شبکه‌ای به شبکه دیگر می‌رود. توهم علم لایتناهی و صداقت آن نیز طی سال‌ها آشکار شده است. شرکت‌کنندگان در برنامه‌های پرسش و پاسخ با پاسخ‌های برنده تهبیح می‌شوند؛ در راستای منفعت دوربین‌ها و گزارشگران، گزارش‌های خبری تولید می‌شوند و در آن‌ها اغراق می‌شود. در برنامه‌سازی منفعت‌محور و تجاری امروز دستکاری بیش از اندازه، روشن و آشکار است. هر چند ممکن است دود و آتش‌بازی جادوگرانه تلویزیون همچنان جذاب باشد، ولی مانند دوروتی در فیلم جادوگر شهرگز ما شاهد عامل انسانی در پشت پرده بوده‌ایم و از تاثیر آن شدیداً کاسته شده است.

هم‌چنین توسعه‌هایی که در رسانه‌های الکترونیک اتفاق افتاده‌اند، ماهیت پیام آن‌ها را تغییر داده



۲. علمای از دانشمندان به شدت از مک‌لوهان انتقاد کرده‌اند و دیدگاه‌های وی در زمینه تکنولوژی‌های رسانه به عنوان توسعه انسان را آرمان‌گرایانه دانسته و معتقدند که وی قدرت سخنوری و بلاغت رسانه‌های جمعی الکترونیک را درک نکرد. (م)

3. all-at-once
4. all-together-now

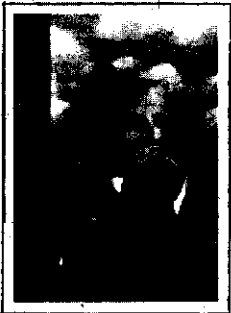


است. به مدد گسترش ایستگاه‌های کابلی و فراهم بودن کاست‌های ویدیویی، بینندگان هزاران انتخاب الکترونیک دارند. ما که از سوی پیش‌کش‌های بی‌وقفه رسانه‌ها کرخت و بی‌حس شده‌ایم، هر لحظه تصمیم می‌گیریم که چه چیز با ما در تماس قرار گیرد، ما را تحت تاثیر قرار دهد و با کدام نسخه از واقعیت دیداری تعامل برقرار کنیم.

دنیای ما برخلاف دنیای دهه ۱۹۶۰ مک‌لوهان در شرف اشباع رسانه‌ای است؛ ما همه این‌ها را پیش‌تر دیده‌ایم و تازگی را در میلیونیم ثانیه اندازه‌گیری می‌کنیم. تلویزیون هنوز دارای این قدرت است که ما را به درون دنیای خود بکشد، برای ما آن‌چه در همسایگی ما در آسیا، آفریقا و اروپا اتفاق می‌افتد را آشکار سازد. ما با تصاویر جنگ، خشونت و قحطی تحریک می‌شویم ولی خیلی زود مضمّن می‌شویم و از درک آن‌ها روی برمی‌گردانیم. نزدیکی، ما را می‌ترساند و آزار می‌دهد. از آن دور می‌شویم، شبکه تلویزیون را جابه‌جا می‌کنیم.

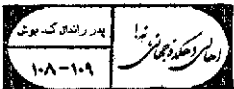
هرچند تلویزیون تصاویری را از سراسر دنیا به منزل ما آورده است، جهان فشرده شده هرگز به دهکده تبدیل نشده است. در یک دهکده واقعی، اهالی آن به‌طور هم‌زمان کنش و واکنش نشان می‌دهند. با این حال رسانه‌های الکترونیک به ما این امکان را می‌دهند که بدون متاثر شدن تماشا کنیم؛ تماشا کنیم ولی عکس‌العمل نشان ندهیم. رسانه‌ها ما را اهالی دهکده جهانی نکرده‌اند، بلکه به چشم‌چران‌هایی (تماشاگران) جهانی تبدیل شده‌ایم. تماشاگری شهوانی<sup>۵</sup> با نظربازی تحریم‌شده، از سوراخ کلید و با تجاوز به خلوتگاه برای لذتی شخصی در رابطه است. تماشاگری شهوانی حتی بدون مفاهیم فرعی سکس از نظر اخلاقی و وجدانی پرسش‌برانگیز است؛ این به معنای تماشا کردن بدون خطر درگیر شدن است؛ مانند ساکنان آپارتمانی که از نشان دادن عکس‌العمل به تجاوز جنسی پدیدآمده در ورای پنجره‌های‌شان خودداری می‌کنند.

تلویزیون صحنه‌های روشن فیلم و مصاحبه‌های تلخ تراژدی‌هایی را از سراسر جهان برای ما پخش می‌کند. هرچه حادثه بزرگ‌تر باشد، پوشش رسانه‌ای بیشتر می‌شود. قحطی و گرسنگی در آفریقا، طوفان، جنگ، اردوگاه‌های کثیف پناهندگان، چنین بحران‌های جهانی‌ای تبدیل به نمایش‌نامه‌های رسانه‌ای شده است. در پرده اول نمایش، حادثه توصیف می‌شود؛ در پرده دوم علل ریشه‌ای مورد



5. shrinking globe

۶ Voyeurism تحریک حاصل از تماشای مخفیانه عمل جنسی یا بدن‌های عریان را می‌گویند. (م)



بررسی قرار می‌گیرند و با حادثه موجود مرتبط می‌شوند؛ در پرده سوم، هنگامی که دوربین‌ها از صحنه عقب کشیده می‌شوند و به سمت صحنه دیگری با آشفتگی دارای ارزش خبری هجوم می‌آورند، خلاصه حادثه، سرمقاله‌ها و موشکافی پس از واقعه ارائه می‌شود. بحران‌های حقیقی به ندرت با این سرعت حل می‌شوند و نیازهای ضروری پس از این که گروه فیلمبرداری صحنه را ترک کردند، برای مدت‌های مدید باقی می‌مانند. در نقطه‌ای بسیار دورتر از دوربین، بیننده به تازگی شبکه را عوض کرده است، تماشاگران از صحنه دور شده‌اند.

سازمان‌های خدمات اجتماعی نسبت به خستگی غم‌خواری می‌نالند. فجایای جهان آن گونه که نسخه‌های اخبار شامگاهی بیان می‌کند، پاکیزه و آراسته نیستند<sup>۷</sup> تلاش برای ترمیم، ماه‌ها یا سال‌ها به طول می‌انجامد. در عصر الکترونیک، آن نیازها به سرعت تبدیل به اخبار کهنه می‌شوند. در واقع، بقایای مژمن آن‌ها به عنوان احساس ناخوشایند در حاشیه قرار می‌گیرد. ما نه تنها پیش‌تر کودک در حال مرگ از گرسنگی، گاو در حال ترکیدن در سواحل تخریب‌شده از طوفان شدید را تماشا کرده‌ایم، بلکه پیش‌تر به تلاش‌ها برای امدادسانی کمک کرده‌ایم. بنابراین خستگی باقی می‌ماند. ما درخواست‌های مبنی بر افزایش بودجه کمک‌رسانی را نادیده می‌گیریم، بر مقاله‌های خبری روزنامه نگاه اجمالی می‌اندازیم و شبکه تلویزیون را روی چیز دیگری تغییر می‌دهیم.

ما حتی اگر می‌توانستیم دنیای امروز را به صورت دهکده تلقی کنیم، احتمالاً به دنبال چنین نتیجه‌گیری‌ای بودیم که باید کس دیگری مسئول آن بخش‌های تخریب‌شده بر اثر فاجعه در این دهکده باشد. هر زمان که وجدان ما به اندازه کافی تحریک شود که ببندیشیم کسی باید نسبت به این بحران‌ها کاری انجام دهد، اغوا می‌شویم که باور کنیم در حال حاضر کسی دارد کاری می‌کند و افراد دیگری نیز از این مشکل آگاهی دارند؛ بنابراین تماشاگر می‌تواند با خیال راحت نمایش را تا زمانی که دیگر سرگرم‌کننده یا مهیج نیست ادامه دهد و آن‌گاه گیرنده تلویزیون را خاموش کند ولی هیچ کس هیچ کاری نکرده است.

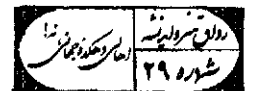
ما میل داریم نظریه دهکده جهانی را باور کنیم؛ زیرا این نظریه آرامش‌بخش است. یک دهکده خودکفا، صمیمی و کهن‌الگوی خانه است. رد نظریه مکالوهان به معنای آن است که ما در خانه نیستیم و حتی لزوماً در آن مسیر نیز نیستیم. پیر دو تشاردن<sup>۸</sup> چنین نوشت:

هر روز که می‌گذرد برای ما کمی غیرممکن‌تر می‌شود که به شیوه‌های غیر از شیوه جمعی عمل کرده یا ببندیشیم.

دیدگاهی که با مفهوم فشردگی فاصله‌های بین مردم و ملت‌ها تطابق دارد. حتی اگر این وضعیت صادق باشد، جمع‌گرایی ضرورتاً مثبت یا سودمند نیست. از دست رفتن فردگرایی از دست رفتن هویت و استقلال را نیز در پی دارد. مجموعه اطلاعات رایانه‌ای و کارت‌های شناسایی، به مقامات رسمی امکان دسترسی به نام، نشانی، درآمد، مذهب و سابقه کیفری فرد را می‌دهد. در بحث پیرامون نظریه‌های مکالوهان به یاد آوردن پیش‌بینی‌های اورول بی‌مورد و نابه‌جا نیست:

۷. موضوع اثر بین رفتن مرز بین واقعیت و نسخه‌های شسته‌رفته ارائه‌شده توسط رسانه‌ها، ذهن نظریه‌پردازان دیگر از جمله بودریار را به خود مشغول کرده است. برای نمونه نگرانی درباره جنگ اول خلیج فارس و اثر بین رفتن واقعیت کشتار و خونریزی به گونه‌ای بود که فیلسوف مشهور ژان بودریار ادعا کرد که جنگ خلیج فارس اتفاق نیفتاد. بودریار در نظریه پست‌مدرن خویش با نام پستی‌واقعیت (Hyperreality) ادعا کرد که جنگ اول خلیج فارس نخستین درگیری مجازی نیروهای نظامی بود. بودریار در این نظریه چنین ادعا کرد که تکنولوژی‌های رسانه‌ای بسیار پیچیده، درون بافت سرمایه‌داری مصرفی به گونه‌ای عمل می‌کنند که حتی مرزهای بین شبیه‌سازی و واقعیت در حال از بین رفتن هستند. (م)

8. Pierre Teilhard de Chardin



به یاد آورید که در رمان ۱۹۸۴، گیرنده‌های تلویزیون به Big Brother امکان دسترسی به هر منزلی را می‌داد. امروزه رسانه پیام است صدق نمی‌کند، بلکه استفاده از رسانه، پیام است. اگر قرار بود یک دهکده جهانی الکترونیک پدیدار شود، باید کسی شهردار آن دهکده می‌شد؛ و چه کسی می‌گوید که این شهردار خیرخواه خواهد بود؟

بیاییم از زاویه دیگری به این مسئله نگاه کنیم، که البته کمتر اورولی است ولی هم‌چنان آشفته‌کننده است. امروزه بسیاری از جنگ‌ها جنگ‌های داخلی هستند، خشونت علیه دیوهای بیرونی نیست بلکه علیه کسانی است که درون مرزهای ملی یک کشور قرار دارند. دیوید نیوسام<sup>۹</sup> در روزنامه آمریکایی Christian Science Monitor چنین اظهار نظر کرده است:

رالف دیوید آبرنتزی بیان کرد که چگونه اردوگاه ساکنان غیرقانونی در واشنگتن با نام شهر رستاکیز<sup>۱۱</sup> که طی راهپیمایی مردم فقیر در سال ۱۹۶۸ برپا شد، توانست به کثرت‌گرایی مسالمت‌آمیز برسد. سایه‌پوشان آمریکایی و اسپانیایی تبارها در دهکده، محله‌های مجزایی می‌خواستند. این مسئله درباره دهکده جهانی مک‌لوهان صدق می‌کند. ما مانند کودکانی که در صندلی عقب ماشین خانوادگی با هم دعوا می‌کنند، متوجه می‌شویم که با فشرده شدن هر چه بیشتر محله‌ها (حتی محله‌های جهانی)، بیشتر بر ترسیم خطوط اقلیمی پافشاری می‌کنیم و بیشتر یکدیگر را از تقص آن‌ها بر حذر می‌داریم.<sup>۱۲</sup>

سومین عارضه لایه‌بندی اجتماعی، حاصل از فن‌آوری مدرن است. این که ما چه کسی هستیم اغلب توسط آن چه انجام می‌دهیم (یعنی شغل مان) تعیین می‌گردد: پزشک، وکیل، قصاب، ناواه، شمعدان‌ساز، ولی در سایه کامپیوترها، اتصال‌های ماهواره‌ای و ماشین‌های فکس، ساده‌ترین اقدام دهکده کوچک می‌تواند تاثیر ملی یا حتی بین‌المللی داشته باشد. پیشگویان این دهکده جهانی توصیف می‌کنند که چطور این گسترش الکترونیک به محو شدن مرزهای منطقه‌ای و ملی کمک کرده‌اند. انحصارگرایی حکومت نسبت به اطلاعات و تکنولوژی بر اثر تسهیم رویاها و اکتشافات دانشمندان، مهندسیان و رویاپردزان با یکدیگر از طریق شبکه جهانی ارتباطات مدرن تقلیل یافته است.

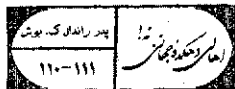
با این حال در این فرآیند چیزی بنیادین از دست رفته است. این گروه‌بندی فراملی مردمی که علایق مشترکی دارند دهکده‌های حقیقی نیست بلکه نسخه ساده گسترش یافته چیزی است که رابرت بلاه<sup>۱۳</sup> حوزه‌های محصور شیوه زندگی<sup>۱۴</sup> می‌نامد؛ با هم رابطه داشتن مردمی که از نظر اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی شبیه به هم هستند و الگوهای مصرف و سرگرمی مشترکی دارند. حتی بدتر این است که برخی از این جایگزین‌های جمعی، شبکه‌های بین فردی هستند که صرفاً بنا به دلایل منفعت‌گرایانه ایجاد شده‌اند؛ یک نسخه الکترونیک ارتباطی برای پیشرفت تجاری یا شغلی.

مفهوم دهکده در ذهن، تصاویر مربوط به ویژگی‌های مشترک و هم‌بستگی را ایجاد می‌کند. پیامبران دهکده جهانی حاصل از رسانه‌ها تصدیق می‌کنند که عصر الکترونیک ما را به یک آگاهی ابتدایی‌تر و یکپارچه‌تر بازگردانده است. با این حال منبع این آگاهی یک روح همگانی مجدداً کشف‌شده نیست بلکه بازگشت به ابتدایی‌ترین سطح خودمداری<sup>۱۵</sup> است. برخلاف اهالی دهکده، ما

9. David Newsom  
10. Ralph David Abernathy  
11. Resurrection City

۱۲. مانوئل کاستلر در مصاحبه‌ای که به صورت مقاله در مجله Global Media and Communication سال ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است، دیدگاه‌های خود درباره مارشال مک‌لوهان و جامعه شبکه‌ای را بیان می‌کند. از نظر کاستلر دهکده جهانی در زمانی که مطرح گردید، موضوع قدرتمند و جالب توجهی بود ولی یک پیش‌بینی کاملاً غلط بود یک دهکده نیست بلکه یک شبکه (Network) جهانی با کومه‌های فردی است که چیزی کاملاً متفاوت با تصور مک‌لوهان است. (م) تک به مقاله زیر:

- Rantanen, Terhi (2005). "The Message is the Media: An interview with Manuel Castells" Global Media and Communication, Vol. 1(2): 135-147.  
13. Robert Bellah  
14. lifestyle enclaves  
15. egocentrism



می‌توانیم در سکان ابزارهای رسانه‌ای خود بنشینیم و به تماشای شهبانی تخیلی دیگر سرزمین‌ها و دیگر زندگی‌ها بپردازیم. مانند ماموران امنیتی که در برابر پایانه‌های نمایشگر ویدیویی نشست‌اند، ما نیز آن‌چه در اطرافمان در حال اتفاق افتادن است را می‌بینیم، بدون این‌که تعامل برقرار کنیم یا در آن درگیر شویم، مگر این‌که شخصا از آن‌چه می‌بینیم یا فکر می‌کنیم می‌توانیم از آن به نفع خود بهره‌برداری کنیم، احساس خطر کنیم.

کتاب مقدس نسبت به پذیرش لاقیدانه دهکده جهانی هشدار می‌دهد. هیچ تردیدی نیست که فن‌آوری مدرن موجب تغییرات انقلابی شده است و همه‌جا بودن<sup>۱۶</sup> رسانه‌های جمعی، سیاره ما را فشرده کرده است ولی سرعت محض و مجاورت زیاد، همانند هم‌بستگی و خویشاوندی نیستند. ... و مشخصا ایمان تعریف این هم‌بستگی است. با تعام دل، ذهن، روح و توان خداوند را دوست بدار و همسایه‌ات را مانند خودت دوست بدار.

پیش‌گویی‌های اشعیه نبی هم‌چنان حقیقت دارد. مردم می‌شنوند ولی نمی‌فهمند؛ می‌بینند ولی درک نمی‌کنند. ما در دنیای اطرافمان چیزهای زیادی می‌بینیم، می‌شنویم و تجربه می‌کنیم ولی به سادگی در دهکده [بناشده بر] دلسوزی و ویژگی‌های مشترک<sup>۱۷</sup> زندگی نمی‌کنیم. تا زمانی که ما آرزوی ظهور چنین دهکده جهانی‌ای را در اطراف خود داریم، باید مجدداً چشمان خود را تنظیم کنیم؛ زیرا فقط خداوند یکتا است که حضور، رحمت و روشنی نگاه‌اش می‌تواند به ما کمک کند که چیزهای اطراف خود را همانند همسایگانمان در دهکده جهانی خداوند ببینیم و درک کنیم.

• این مقاله با نام **Not Global Villagers, but Global Voyers** نوشته **راندال ک. بوئس (Randall K. Bush)** کشیش وابسته به کلیسای مشایخی پروتستان در **هیالت سونو، ایالت کنزاس آمریکا** است. این مقاله از منبع زیر برداشته و ترجمه شده است:

**The Christian Century, September 9-16, 1992, pps. 809-811.**



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶. **omnipresence** این کلمه وصفی برای خداوند است به معنای خداوندی که در همه جا حاضر است. استفاده از این عبارت برای حال و روز رسانه‌های جمعی در حقیقت کتابه از قرار گرفتن ناخواسته آن‌ها در مقلمی خدای‌گونه است. همان جایگزینی‌ای که به گمان نویسنده هشدار کتب مقدس را در پی داشته است. (م.)

17. **commonality**

